عزت و اقتدار حسینی در حماسه کربلا و تجلی آن در انقلاب اسلامی ایران

محمدحسین شاعری


بسم الله الرحمن الرحیم

عزت و اقتدار حسینی و تجلی آن در انقلاب اسلامی ایران

نویسنده:

محمد حسین شاعری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عزت و اقتدار حسینی در حماسه کربلا و تجلی آن در انقلاب اسلامی ایران

مشخصات کتاب

نویسنده : محمد حسین شاعری

ناشر : محمد حسین شاعری

مقدمه

تاریخ پر فراز و نشیب بشر، سرشار از حوادث تلخ و شیرین است. انسان ها در زمان های مختلف شاهد انقلاب ها و تحولات علمی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی،فرهنگی و دینی بوده اند. اما در این میان کربلاـ و حماسه عاشورا، یکی از مؤثرترین و جاودانه ترین حوادث تاریخ، به ویژه تاریخ مسلمین است. اهمیت اساسی نهضت عاشورا در این است که نهضت امام حسین (ع) معطوف به زمان و مکان خاصی نشد و گستره آن از عصرها و نسل ها فراتر رفت و مکان ها را در هم نوردید.بی شک خاطره آنها که مردانه حجاب چهره جان را دریدند و با مرگ سرخ، لقای محبوب را خریدند، هر گز از یاد آزادی خواهان، عدالت جویان و حق طلبان محونخواهدشد.چرا حماسه کربلاـ این چنین جاودانه مانده است؟ راز این جاودانگی، فراگیری وطراوت چیست؟ شاید زیباترین پاسخ به این سؤال این باشد که اسلام و عاشورا با هم ارتباط متقابل دارند.عاشورا یک نهضت اجتماعی فرهنگی است که جهان بینی و ایدئولوژی آن برپایه آموزه های اسلام و سنت نبوی و علوی است. رهبر این قیام شاگرد مکتب قرآن است.این پیوند حسنه با اسلام و قرآن، باعث دوام و بقای حادثه کربلا ست، چرا که خداوند اراده کرده که اسلام برتر از همه باشد. (ان الدین عندالله الاسلام) «الاسلام یعلوا و لایعلی علیه» چون اسلام و قرآن کریم جاودانه هستند، قیام کربلاـ که به انگیزه حفظ اسلام و سنت رسول الله و اجرای احکام قرآن شکل گرفته، جاودان است و ضامن و حافظ بقای اسلام و قرآن. این رازی است که پیامبر اکرم (ص) در وصیت

مهم خود به آن اشاره فرموده است. پیامبر (ص) در این باره می فرمایند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابداًو انهما لن یفترقا»، من در میان شما دو امانت نفیس و گرانبها می گذارم، یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت خودم. مادام که شما به این دو تمسک جویید، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو یادگار من هیچ گاه از هم جدا نمی شوند.بنابراین ارتباط بین قرآن و اهل بیت، عمیق و دائمی است. اسلام دینی کامل و همه جانبه و قرآن نیز کتابی جامع است که هم به دنیا و آخرت، فرد و جامعه، آزادی و عدالت، سیاست و عبادت، عقل و ایمان، حماسه و عرفان و... توجه نموده است و کربلا نیز آئینه ای از این امور متعالی است. کربلا تجلی عزت سیاسی، دینی، فرهنگی، روحی،اقتصادی شهیدان راه فضیلت و حقیقت است.نهضت کربلا دارای ابعاد سیاسی، احساسی، حماسی، عرفانی، اجتماعی است وحسین (ع) نیز، خورشید فروزان کمالات و جمالاتی چون علم، عفّت، شجاعت، عبادت،عزّت، کرامت، فتوّت، حکمت، بصیرت، مصلحت، اطاعت، آزادگی، عدالت، تقوا، شجاعت است. در میان این صفات که وجود هر کدام از آنها در یک شخص، او را الگویی شایسته و انسانی متعالی می سازد، ما فقط به صفت «عزّت» می پردازیم.

عزت از نظر لغوی و معنوی

عزت در لغت به معانی شکست ناپذیری، سختی، حمیّت، غلبه، استحکام،صلابت و... است.عزیز کسی است که دارای حمیّت، قوّت و صلابت است و ذلّت و خواری را نمی پذیرد، اما عزیز به معنی واقعی خداوند است و عزت به معنای کامل کلمه، از آن خداست و او با لطف و کرمش آن

رابه هر کس که بخواهد کرامت می کند. (من کان یریدالعزه فلله العزه جمیعاً)هر کسی که عزت بخواهد آگاه باشد که عزت همه از آن خداست و به هر کس که بخواهد می دهد. عزیز به مفهوم واقعی از صفات ثبوتیه خداوند است، اما او به مقتضای فیض و رحمت لایتناهی خود مراتبی از آن را به انسان های شایسته تفویض کند. بر این اساس است که پیامبر (ص) و مؤمنان نیز عزیز هستند. (و اللّه العزه و لرسوله و للمؤمنین)؛ عزت از آن خدا و پیامبرش و اهل ایمان است.درک این مطلب که انسان ها محتاج افاضه الهی هستند، فقط مختص اهل بصیرت است. اهل بصیرت فقط خداوند را منشأ و منبع عزت و کرامت می دانند و در برابر قدرت های غیر خدایی تعظیم نمی کنند.آدم از بی بصری بندگی آدم کرد گهری داشت ولی نذر قباد جم کردیعنی در خوی غلامی زسگان پست تر است من ندیدم که سگی پیش سگی سر خم کرد(اقبال لاهوری)بنابر این انسان ها باید توجه کنند که موجودات بدون ارتباط با سرچشمه عزت، فی نفسه فقیر و ذلیل هستند، مگر آن که خداوند به آنها افاضه نماید.فیض روح القدس ار باز مدد فرمایددگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد عالمان علم اخلاق، اصول اخلاق نیک را به چهار وجه تقسیم می کنند: عدالت، حکمت،عفت و شجاعت. چنانکه در این شعر آمده است:اصول خلق نیک آمد عدالت پس از وی حکمت و عفت شجاعت حکیمی راست کردار است و گفتار کسی کو متصف گردد بدین چهارحکما، شجاعت را فضیلت نفس غضبیه می دانند و از نظر آنها این فضیلت زمانی در انسان ظاهر می شود که بتواند تابع نفس ناطقه گردد و در این

هنگام انسان از مسائل ترسناک که سرانجام خوب و اخلاقی دارند، نمی هراسد و در رسیدن به آنها فداکاری می کند و از سختی ها و خطرات نمی ترسد و ذلت را قبول نمی کند. برخی از مقوله های شجاعت عبارتند از: کبر نفس، نجدت، عظم الهمه، ثبات، صبر، حلم، عدم طیش،شهامت و تحمل درد.بیشتر این مقولات، ریشه در عزت خواهی و ذلت گریزی دارند. در واقع شجاعت و کرامت و عزت با ذلت نسبت معکوس دارند. راغب اصفهانی در «المفردات» عزت را حالتی می داند که نمی گذارد انسان مغلوب کسی یا چیزی گردد و شکست بخورد.شخصیت سالم در گرو عزت و کرامت و در دوری از پستی، خفت و دنائت است. افرادی که عزت مدار و مثبت نگر و خوش بین هستند، به راحتی تحت تأثیر عوامل محیطی قرارنمی گیرند و احساس ناتوانی نمی کنند. انسان هایی که عزت نفس دارند، به آسانی تسلیم نمی شوند و تن به خواری نمی دهند.

ارتباط عزت حسینی با سنت نبوی

یکی از اصولی ترین اهداف انبیاء رهایی انسان از بندگی طواغیت و پیوند انسان با سرچشمه عزت و کرامت؛ یعنی خداوند است.انبیاء مبعوث شدند تا بشر به عزت واقعی و آزادی حقیقی برسد و سر بر آستان معبودهای تصنّعی و مجازی نساید.چون به آزادی نبوت هادی است مؤمنان را ز انبیاء آزادی است از آن جا که عزت خواهی از ویژگی های فطری انسان سالم است، بر این اساس خداوند او را تکریم و تعظیم کرده و عقل و شرع را در اختیار او نهاده است.تاج کرمناست بر فرق سرت طوق اعطیناک آویز برت تو خوش و خوبی و کان هر خوشی تو چرا خود منت باده کشی جوهرست انسان و چرخ او را عرض جمله فرع و پایه اند و

او غرض ای غلامت عقل و تدبیر است و هوش چون چنینی خویش را ارزان فروش بنابراین انبیاء به دنبال تربیت و هدایت کسانی هستند که در برابر عظمت خدا خضوع و خشوع کنند و عظمت و عزت خود را ارزان نفروشند. کربلای حسینی جلوه عزت و عظمت ِانسان های وارسته ای است که حاضر نشدند به ظلم و خفت تن دهند و دست ازعزت و کرامت خود بردارند.کربلا ریشه در نهضت انبیاء دارد و شهادت حسینی (ع) به بعثت و نبوت جانی تازه بخشید. به گفته بیدارگر بزرگ شرق، سید جمال الدین اسد آبادی: «الاسلام محمّدی الوجود و حسینی البقاء و الاستمرار؛ اسلام با وجود حضرت محمد (ص) شکل گرفت وبرقرار شد و با نهضت امام حسین (ع) باقی می ماند». همان طوری که متذکر شدیم،نهضت حسینی با بعثت انبیاء رابطه دو جانبه دارد. از یک طرف عاشورا نهضتی فرهنگی است که جهان بینی و ایدئولوژی آن ریشه در قرآن و سنت دارد و از بین رفتنی نیست، چرا که انا نحن نزّلنا الذکر و انا له حافظون. و از طرف دیگر انگیزه نهضت او حفظ دین و قرآن وسنت رسول الله است، چنان که خود به برادرش محمد حنفیه فرمود: «من از روی هوس وسرکشی و تبهکاری و ستمگری قیام نکردم، تنها به انگیزه سامان بخشی و اصلاحات در امت جدّم برخاستم».در جای دیگر اشاره می کند: ما خاندان نبوت و معدن رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و جایگاه رحمت الهی هستیم، خدا به ما آغاز و به ما ختم نمود.در نامه ای به بزرگان بصره می نویسد:«شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر دعوت می کنم، همانا سنت رسول خدا

از میان رفته و بـدعت ها زنـده شده است»او از مکتب انبیاء به ویژه پیامبر اسـلام الهام گرفت و خواهان عزت و کرامت شد،چرا که پیوند با نبوت باعث عزت انسان است و سالار شـهیدان، به انگیزه عزت دین و سـنت، خود را فدا کرد.زین سبب فرمود فخر عالمین که حسـین است از من و من از حسین این ارتباط منطقی نهضت حسینی با نهضت نبوی است که او خواهان عزت است و تسـلیم ظالمان نمی شود. بر این اساس در ملاقات با برادرش محمـد حنفیه می فرمایـد:«لو لم یکن فی الـدنیا ملجاء و لا ماوی لما بایعت یزیـد بن معاویه» اگر مرا در دنیا پناهگاه و مأوایی نباشد، با یزید بن معاویه بیعت نخواهم کرد.و در جای دیگری می فرماید: «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی یا سیوف خذینی»اگر دین جدم محمد (ص) جز با شهادت من پایدار نمی ماند، ای شمشیرها مرادریابید.و در این شعر می فرماید:الموت اولی من رکوب العار والعار اولی من دخول النارمرگ بهتر از پذیرفتن ننگ است و پذیرفتن ننگ بهتر از قبول آتش.حر که از روی خیر خواهی او را نصـیحت می کند که اگر بجنگد کشـته خواهد شد،می فرماید: مرا به مرگ تهدید می کنی؟ مگر با کشـتن من آسوده خواهید شد؟سـپس این شـعر را می خواند:سأمضی و ما بالموت عار علی الفتی اذا مانوی حقاً و جاهد مسـلماو در روز عاشورا، در محاصـره سـپاه عمر سـعد می فرماید:«آگاه باشید که این فرومـایه فرزنـد معـاویه، مرا میان دوراهی شمشـیر و ذلت قرار داده است و هیهات که ما زیر بار ذلت رویم. زیرا خداونـد و پیامبرش و مؤمنان از این که ما زیر ذلت رویم، ابا دارند.»عزت

حسینی با عزت انبیاء پیوندی دیرینه دارد و بر این اساس در زیارت وارث می خوانیم:السلام علیك یا وارث آدم صفوه الله، السلام علیك یا وارث نوح نبی الله،السلام علیك یا وارث عیسی روح الله السلام علیك یا وارث محمد حبیب الله...در واقع امام حسین (ع) وارث اولین و آخرین پیامبر است. او میراث معنوی انبیاء را به ارث برده و عزت طلبی از مهم ترین میراث انبیاء است. او وارث عزت و کرامتی است که خداوند به حضرت آدم (ع) داده است (و لقد کرمنا بنی آدم). او وارث عزت حضرت نوح،شیخ الانبیا است. خداوند به حضرت نوح عمری طولانی و پربرکت عنایت نمود. از نهضت عاشورا که در سال ۶۱ هجری اتفاق افتاده است، نزدیک به ۱۴۰۰ سال می گذرد، اما مشعل عشق حسینی هنوز مشتعل است و هر سال که محرم می شود گویی حسین بن علی (ع) دیروز شهید شده است. او وارث ابراهیم خلیل الله است. پیامبری که عزت واقعی را در سرچشمه آن یافت و قهرمانانه فریاد «انی لا احب الافلین» زد و با بت های دروغین و بت پرستان و بت سازان سازش نکرد و حاضر نشد در برابر خدایان تصنعی و اربابان قدرت، خود را خوار نماید.حسین بن علی (ع) نیز این چنین بود. از طرف دیگر ابراهیم (ع) حاضر شد فرزندش را در راه خدا قربانی کند و اسماعیل (ع) به ذبیح الله معروف گشت، اما حسین بن علی، هم فرزندان و اصحابش را قربانی کرد و هم خود را و ذبیح الله شد. منای کربلا جلوه شهادت شریف ترین انسان ها و قربانگاه بهترین رهروان انبیاء بود.آری حسین (ع) وارث موسی کلیم الله است؛ چرا

که حاضـر نشد در برابر فرعونیان زمان و طغیان گران دوران، سکوت کند. حضرت موسی (ع) بنی اسرائیل را از حضیض ذلت به اوج عزت آورد. حسـین (ع) نیز بـا نهضت عزت گرایـانه خود اسـلام و مسـلمین راعزتی دوبـاره بخشـید و منافقان و فرصـت طلبـان را رسـوا و خوار کرد. درس آزادگی و شـهادت او مـایه عزت و کرامت شـیعیان در همه اعصـار است.حسـین (ع) وارث عزت حضـرت یحیی (ع) است؛ چرا که او نیز حاضـر نشـد به فسـاد حکـام سـتمگر راضـی شود و امر به معروف و نهی از منکر نکند. از این رو سرش را جداکردند و نزد حاکم ستمگر و فاسد بردند. سرِ حسین بن علی (ع) نیز به دلیل امر به معروف و نهی از منکر جدا شد و نزد یزید سـتمگر برده شد، اما تا قیامت آمران به معروف و ناهیان از منکر به تأسـی از او سر می جنبانند و به او اقتـدا می کننـد. اصولاًـ امر بـه معروف و نهی از منکر، سـنت و سـیره انبیـاء و صالحـان است و امـام حسـین (ع) بارهـا به این موضوع اشاره فرموده است. او وارث هیبت و عزت و اقتـدار حضـرت سـلیمان و داوود است. در روز عاشورا حتی جن ّو ملك به یاری او شـتافتند، اما او نپذیرفت و البته این استغنا، ناشی از اوج عزت اوست.امروزه بعد از گذشت سالیان دراز، مرقد او قبله آزادگـان است و حسـینیه هـا و مجـالس عزاداری او پر می شود. عزت و اقتـدار سـلیمان (ع) و داوود (ع) بیشتر مربوط به زمان خود بود، در حالی که عزت و اقتدار حسینی، بعد از شهادت ایشان نیز پا

برجاست.او عزیزی است که وارث عزت حضرت یوسف (ع) است. یوسف صدیق را در چاه انداختند تا از عزت او بکاهند اما خداوند او را به اوج عزت رساند و عزیز مصر کرد. سالارشهیدان را در گودال قتلگاه افکندند، اما پیام سرخ و پرچم سبز قیام او، جلوه عزت گرایی در همه اعصار شد.شاعر معاصر علی موسوی گرمارودی در این باره چه زیبا سروده است:در فکر آن گودالم که خون تو را مکیده است هیچ گودالی را چنین رفیع ندیده بودم در حضیض هم می توان عزیز بوداز گودال بپرس.آری، حسین بن علی (ع) چون حضرت عیسی (ع) با بدعت طلبان و کج اندیشان و مفتیان فاسد (که دین یهود را به انحراف کشیده بودند) مبارزه کرد. مفتیان یهود به مرگ عیسی فتوا دادند. عیسی (ع) را خداوند به آسمان برد و ملقب به روح الله کرد. مفتیان درباری نیز به مرگ سالار شهیدان فتوا دادند و عمال بنی امیه او را به شهادت رساندند.بدین وسیله امام حسین (ع) در عروجی خونین ملقب به ثارالله شد. جرم عیسی (ع) نیزدعوت به اصلاح و سنت الهی بود. عیسی (ع) حواریونی شجاع و عزتمدار داشت و سالارشهیدان نیز حواریونی عزتمند که به آنها افتخار می کرد. امام (ع) درباره یاران خودمی فرماید: «به خدا سوگند همراهان خود را آزموده ام، انس و علاقه ای که آنها بر مرگ دارند، همانند علاقه کودک به شیر مادر است. همه پرصلابت و مستحکم اند.»یکی از جنبه های عزت حضرت عیسی (ع) این است که امروزه بیشترین پیرو رادارد و حسین (ع) نیز بیشترین پیرو و زائر و عاشق را. ارتباط عیسی (ع) با سالار شهیدان از این نیز فراتر می رود، چرا که حضرت

عیسی (ع) همراه قائم آل محمد (ص) پرچم «یالثارات الحسین» را بر خواهد داشت و خون به ناحق ریخته سالار شهیدان را طلب خواهد کرد و آن روز است که همه معنای پیروزی خون بر شمشیر و مفهوم عزت حسینی را درک خواهند نمود.آری حسین (ع) وارث رسول خداست. او هم از نظر ظاهری شبیه حضرت محمد (ص) است و هم از لحاظ معنوی، وارث عزت و شجاعت پیامبر (ص). او وارث فاطمه است که با شجاعت از امامت و ولایت دفاع کرد. او فرزند پیامبری است که فرمود: اگر خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من بگذارند که دست از دعوت خود بردارم، چنین نخواهم کرد.آری جوشش خون پیامبر (ص) در رگ حسین (ع) است که به عافیت طلبان وکج اندیشان جواب منفی می دهد و عزت ظاهری و مادی را با شهادت؛ یعنی عزت ابدی معاوضه نمی کند. خداوند دین پیامبر (ص) را به عنوان دین ابدی تثبیت می کند و حسین (ع) هم تا قیامت به عنوان مشعل هدایت معرفی می شود، چرا که: «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه» و بشر ملزم می شود که تا ابد به این چراغ هدایت توجه کند و در این کشتی نجات بنشیند تا به سرچشمه عزت، رهنمون گردد.اقبال لاهوری در این باره گفته است:تیغ بهر عزت دین است و بس مقصد او حفظ آیین است و بس ماسوی الله را مسلمان بنده نیست نزد فرعونی سرش افکنده نیست خون او تفسیر این اسرار کرد ملت خوابیده را بیدار کردنقش الا الله بر صحرا نوشت سطر عنوان نجات ما نوشت رمز قرآن از حسین آموختیم زآتش او شعله ها

اندوختیم پیوند مبارک حسین بن علی (ع) با قرآن، نهضت او را پایدار کرده و از عشق او آتشی در دل ها افکنده است که تا قیامت خاموش نمی شود، چنانکه امام صادق (ع) به آن اشاره فرموده است: «ان لقتل الحسین (ع) حراره فی قلوب المؤمنین لن تبرد ابداً».به راستی شهادت امام حسین (ع) حرارتی در دل مؤمنان افکنده است که تا قیامت سرد نخواهد شد. حسین (ع) کرامت و عزت خود و مسلمین را در تبعیت از نبوت،قرآن و دین می دانست. چنانکه در عصر روز تاسوعا خطبه پرشور خواند:«اللهم انی احمدک علی ان کرامتنا بالنبوه و علمتنا القرآن و فقهتنا فی الدین» و یا در نامه ای به مردم بصره نوشت «انا ادعوکم الی کتاب الله و سنته نبیه...»اعتقاد عمیق او به نبوت و قرآن و سنت بود که «احدی الحسنیین» را در پیش گرفت و مطمئن بود که چه پیروز شود و چه به شهادت برسد، مطابق اصل «عزت» عمل کرده است.

رابطه عزت حسینی و سیره علوی

حسین (ع) امام مردم است و امام مردم باید سمبل کرامت و عزت باشد تا مؤمنان به او اقتدا کنند. ائمه سرفرازانه و عزتمندانه زیست اند و حتی شهید شدند. چنانچه در روایت آمده است: «ما منا اما مقتول او مسموم». امامان در راه عزت دین به شهادت رسیدند. بدون تردید سلسله جنبان شهادت طلبی و عزت خواهی در مکتب ائمه، امام علی (ع) است. از منظر او زندگی با سرافرازی حیات واقعی است و حیات با ذلت مرگ تدریجی است: «موت فی عزّ خیرٌ من حیات فی ذل»مرگ با عزت بهتر از زندگی همراه با ذلت است. در خطبه ای دیگر خطاب به لشکریانش در نبرد صفّین می فرماید:«فالموت

فی حیاتکم مقهورین و الحیاه فی موتکم قاهرین».خوار شدن و زنده ماندن شما مردن است و کشته شدن و پیروز شدن،زنده بودن است.بر اساس همین نگرش عزت جویانه امام علی (ع) است که پیامبر (ص) او رامولای مردم خواند و لذا مولانا در این باره می گوید:گفت هر کو را منم مولا۔و دوست ابن عم من علی مولای اوست کیست مولا۔ آن که آزادت کندبند رقیت ز پایت بر کنداز دیدگاه امام علی (ع) یکی از ریشه های ذلت، ترک جهاد و شهادت است. در این باره می فرماید: «هر که از آن دوری کند، خداوند لباس خواری و ردای گرفتاری بر او می پوشاندو بر اثر حقارت، بیچاره می شود».در جای دیگر می فرماید: «اگر کسی از جهاد سرباز زند، خداوند لباس خواری را در زندگی تنش خواهد کرد و از دایره دین بیرون خواهد رفت».او به دنبال بهترین نوع مرگ؛ یعنی شهادت بود و آن را عزت جاودانه می دانست.«به راستی با کرامت ترین نوع مرگ کشته شدن در راه خداست و قسم به کسی که جان فرزند ابی طالب در دست اوست، اگر هزار ضربه بر فرق من فرود آید که به این وضع کشته شوم، بهتر است که در بستر با یک بیماری بمیرم.»از منظر او شهادت اوج عروج انسان است و لذا در هنگام مرگ فرمود: «فزت و رب الکعبه»، به خدای کعبه رستگار شدم.اصولاً سنت علوی با عزت شهادت و عدالت و آزادگی عجین است: قیام حسین بن علی (ع) و عدالتخواهی و عزت طلبی ایشان نیز، ریشه در سیره علوی دارد. امام حسین (ع) بارها در خطبه ها و نامه های خود به تأسی از سنت علوی اشاره فرموده است. چنانکه در

وصـیت نامه خود چنین می نویسد: «می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم و پدرم عمل کنم.»از دیدگاه امام علی (ع) مردم جز در برابر خدای عزیز نباید اظهار ناتوانی کنند.چنانکه به مردمی که به استقبال او آمده بودند و ذلیلانه به دنبـالش می دویدنـد تـا احترامش کننـد، فرمود این کـار را نکننـد؛ چرا که خلاف عزت انسانی است و از طرفی باعث غرور و انحراف والی می شود. او در آغـاز امـامت به مردم فرمود: بـا من آن طور که بـا افراد جابر و سـتمگر سـخن می گوییـد، سـخن نگویید و به راحتی حرف بزنید و اهل تکلف نباشید. او همواره مردم را عزیز می خواست و راضی به استخفاف آنان نبود. امام حسـین (ع) نیز به دنبال رهایی مردم از ظلمت یزیدیان بود. جامعه اسـلامی از تبعیض نژادی رنج می برد.مردم عدالت علی (ع) را دیـده بودنـد. علی (ع) بر اسـاس سـنت پیـامبر عمـل می کرد و همه افراد برایش محترم بودنـد. اما بنی امیه بار دیگر به دنبال سلطنت بر اساس تبعیض نژادی بودنـد و این بر خلاف عزت علوی بود.عده ای از اصـحاب پیامبر (ص) و علی (ع) برای رهایی از ظلم و ذلت، رهبری بهتراز حسـین بن علی (ع) نمی شـناختند و لذا مردم کوفه برای امام دعوتنامه نوشـتند و امام (ع) آمد که آنها را عزیز بـدارد و از ظلمت برهانـد و از طرفی در مـدینه نیز او را برای بیعتی ذلیلانه با یزید دعوت کرده بودند، اما امام (ع) به آن تن نـداد و تسلیم نشـد. مانـدن در مکه نیز برایش مقـدور نبود، چرا که نمی خواست حرمت خانه خدا با جنایت یزیدیان شکسته شود. در اکثر

نامه ها و خطبه های امام حسین (ع) که در مدینه و مکه و بین راه کربلا انشاء و ایراد گردید، عزت و آزادگی و کرامت موج می زند. او حتی در شب عاشورا دستور می دهد که چراغ ها را خاموش کنند تا هر کسی که می خواهد از تاریکی شب استفاده کند و بدون شرم و حیا از مهلکه بگریزد، چرا که او به دنبال یارانی داوطلب و عزیز بود و نمی خواست عده ای با اجبار از او حمایت کنند، چنانکه پدرش علی (ع) کسی را مجبور به بیعت نکرد.امام حسین (ع) سرافرازی و عزتمندی خود را مرهون سیره پدر و جدش می داند: من حسین پسر علی هستم و قسم خورده ام تا سر فرود نیاورم و از خاندان پدرم حمایت می کنم و بر طریق دین پیامبر سلوک می کنم.به هر حال او فرزند کسی است که فرمود: لا تکن عبد غیرک لقد جعلک الله حراً.این سیر و سلوک بر اساس سیره نبوی و سنت علوی است که سالار شهیدان را عزتمندکرده است.

حماسه عاشورا و اسطوره عزت گرایی

روز عاشورا بهترین تجلی عزت گرایی بود و حسین بن علی و یارانش بزرگترین جلوه های عزت و آزادگی بودند. سالار شهیدان در روز عاشورا خطاب به لشکر دشمن فرمود:اگر دین ندارید و از قیامت نمی ترسید، لا اقل آزاده باشید.او از مردم خواست که رفتاری همراه با مروت و حمیت و عزت پیشه کنند. اگر چه آنها پیام سالار شهیدان را لبیک نگفتند اما حسین بن علی (ع) خواست حجت را بر مردم تمام کند تا شاید بر دل های سنگ آنان اثر نماید و به خود آیند و یا درسی برای آیندگان باشد که تن به زیر بار ذلت ندهند.هنگامی

که او را به بیعتی ذلیلانه می خوانند، می فرماید:«و الله لا أعطیهم بیدی اعطاء الذلیل و لا افرمنهم فرار العبید.»سوگند به خدا هرگز به آنان چون فرومایگان دست بیعت نخواهم داد و چون بردگان پا به فرار نخواهم گذاشت. از دیدگاه او مرگ سعادتمندانه، شهادت در راه اهداف متعالی است و لذا او به استقبال این نوع مرگ می رود و تسلط ظالمان را نمی پذیرد و عزتمندانه می گوید: «انی لا ـ اری الموت الا ـ السعاده و الحیاه مع الظالمین الا ـ برماً» من مرگ را جز سعادت و زندگی با بیدادگران را جز خواری نمی بینم.هر کدام از انصار و اصحاب امام حسین (ع) در شب و روز عاشورا سخنانی گفته اند که بهترین سند آزادگی آنان است. مسلم بن عوسجه گفت: «سوگند به خدا اگر بدانم که کشته می شوم، سپس زنده گشته باز کشته می شوم و آن گاه مرا بسوزانند و خاکسترم را برباد دهند و هفتاد بار با من چنین کنند تا در کنار تو جان دهم، هرگز از تو جدا نمی شوم.»زهیر بن قین در پاسخ به تهدید شمر می گوید: «آیا مرا از مرگ می ترسانی؟ به خدا سوگند مرگ برای من ارزشمندتر از زیستن برای شماست.»علی اکبر فرزند رشید او گفت: اگر ما بر حقیم از مردن باکی نداریم و قاسم بن حسن گفت: مرگ در کام من، از عسل شیرین تر است.هنگامی که دشمن برای عباس بن علی (ع) امان نامه آورد تا او را تسلیم کند،حاضر به پذیرش آن نشد و در روز عاشورا نیز، اوج عزت و کرامت خود را با این اشعار اعلام نمود:و الله ان قطعتم یمینی انی احامی ابداًعن دینی بدین ترتیب هر یک از اصحاب، جملات

زیبا و شیوایی را ایراد کردند. این جملات عزتمندانه فقط به روز عاشورا محدود نشد. اسرای کربلا نیز هر جا که رفتند، پیام عزت حسینی را ترویج کردند.زمانی که ابن زیاد در مجلسی در کوفه با طعنه به زینب کبری می گوید: دیدی که خدا با برادر و خویشانت چه کرد؟ زینب کبری در پاسخ خود اوج عزت حسینی را به نمایش می گذارد و می فرماید:«و ما رأیت الا جمیلاً»، من به جز زیبایی و نکویی ندیده ام.آنان جماعتی بودند که پروردگار متعال شهادت را برایشان مقدر فرمود و با آغوش باز سوی آرامگاه خود شتافتند. در همین مجلس امام سجاد در پاسخ به تهدید ابن زیاد می فرماید: آیا مرا از کشته شدن می ترسانی؟ آیا نمی دانی که عادت ما کشته شدن است وافتخار ما شهادت می باشد؟همچنین زینب کبری و امام سجاد (ع) در مجلس یزید، سخنانی عزتمندانه ایراد کردند که تکمیل کننده پیام نهضت سالار شهیدان بود. در واقع سیمای عزت حسینی را نه تنها در کربلا و شهیدان کربلا، بلکه در اعضای کاروان ایشان می توان دید.

ابعاد عزت حسینی

اشاره

در یک تقسیم بندی می توان ابعاد عزت حسینی را به صورت زیر تقسیم بندی کرد:۱ عزت سیاسی ۲ عزت فرهنگی ۳ عزت اقتصادی ۴ عزت روحی و روانی ۵ عزت معنوی و دینی

عزت سیاسی

یکی از ابعاد مهم عزت طلبی، بعد سیاسی آن است. هر جامعه ای که سلطه و نفوذ بیگانگان را بپذیرد، نمی تواند ادعای استقلال و عزت نماید. عدم سلطه دشمنان بر کشور اسلامی یکی از اصول اولیه نظام سیاسی و فقه سیاسی اسلام است.قرآن در این باره می فرماید: (لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلًا)؛خداوند هرگز برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نکرده است.بر همین مبنا علما و مجتهدین مسلمان موضوع «نفی سبیل» را به عنوان یکی از قاعده های فقه سیاسی اسلام مطرح نمودند و بر اساس آن امام خمینی؛ در اعتراض به قرار داد ننگین کاپیتولاسیون قیام کرد و آن را خلاف عزت اسلامی و موجب سلطه بیگانگان بر امور سیاسی و قضایی کشور دانست. در سخنرانی تاریخی ایشان آمده است:«عزت ما پایکوب شد. عظمت ایران از بین رفت. عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند.»اقدام برای کسب عزت سیاسی و مقابله با استبداد و استعمار و استقرار حاکمیت مردم بر سرنوشت خود و تضمین منافع ملی و بین المللی آنها، یکی از جنبه های مهم انقلاب اسلامی ایران محسوب می شود و البته کسب این عزت و اقتدار از عجایب این قرن بود که یک ملت بدون هیچ حمایت و پشتوانه ابرقدرت های زمان به استقلال و آزادی برسد و پرچمدار راه سومی در معادلات بین المللی گردد که نه از اردوگاه غرب فرمان گیرد و نه وامدار اردوگاه شرق باشد. استمرار این استقلال سیاسی و عزت است که

دشمنان انقلاب اسلامی را واداشته است که هر روز با حیله ای جدید به مقابله با ما برخیزند و در پی آن باشند که با هر ترفندی به استقلال و عزت سیاسی ما لطمه وارد کنند. در حالی که بسیاری از کشورهای پیشرفته تر از اعلان صریح مواضع سیاسی خود وحشت دارند و یا مجبورند تابع سیاست های آمریکا و به تعبیری «عقب مانده سیاسی» باشند، اما مسئولان جمهوری اسلامی با عزت و اقتدار درباره مسائلی چون فلسطین، عراق،افغانستان و...اظهار نظر می کنند و این بیانگر عزت ماست.امروزه در نظام حاکم بر جهان، علی رغم شعارهای زیبای حمایت از حقوق بشر،آزادی، عزت و کرامت انسان ها، بسیاری از کشورها و ملت ها تحقیر می شوند.کاپیتولاسیون یکی از جنبه های عینی تحقیر است که با توجه به آن سلطه گران برای خودحقوق بیشتری از دیگران قائل اند و کرامت دیگران را زیر سؤال می برند. با توجه به آن که بسیاری از کشورهای جهان قانون استرداد جنایتکاران جنگی را امضاء کرده اند، آمریکایی ها اعلان نموده اند در صورتی این قانون را می پذیرند که نیروهای آمریکایی از این قانون مستثناء باشند و یا رسماًاعلام می نمایند، حتی اگر سازمان ملل قطعنامه حمله به عراق را تصویب نکند، باز هم به آن کشور حمله خواهند کرد.این بارزترین نوع تربیت تحقیری است که فرعونیان به این شیوه دست می زدند.نقض حقوق بشر، کودتا و تحمیل حکومت های فاسد بر سایر کشورها و دخالت در امور داخلی آنها به بهانه های واهی از جمله تروریسم از جدیدترین شیوهاهای تحقیر ملت ها و دولت ها است.این موضع گیری های تحمیل گرایانه از نوع آمریکایی آنقدر رسوا و بی پایه است که صدای اروپایی ها را نیز بلند کرده است.اخیراًنود نفر از روشنفکران آلمانی در

نامه ای انتقادآمیز به روشنفکران و مسئولان آمریکا نسبت به گسترش اخلاق تحمیل گرایانه در سیاست خارجی آنها اعتراض کرده اند و از آنها خواسته اند تا کرامت انسانی را فقط برای آمریکایی ها نخواهند، بلکه به حرمت وکرامت و عزت دیگران نیز احترام بگذارند. در قسمتی از این نامه آمده است:«شیوه های کنونی سیاست های جهانی شدن که نا برابری های اجتماعی را تشدید می کند و تمایزهای فرهنگی را از میان بر می دارد، باعث بی ثباتی و موجب بروز تنشی می گردد که حاصل آن واکنش های خصومت آمیز است. با نگرانی شاهد این هستیم که شخصیت های مؤثری که در پیرامون رئیس جمهور شما هستند، با شدت فزاینده ای از کشورهای اروپایی مطالبه می کنند که در مقابل آمریکا تابع و گوش به فرمان باشند و با اظهاراتی از این قبیل «اروپا به آمریکا نیاز دارد، اما آمریکا به اروپا نیاز ندارد» می کوشند هر نوع انتقادی را در نطفه خفه کنند... هنگامی که فرودستان جهان با جزم به این آگاهی رسیدند که هیچ کس از جمله قدرت های بزرگ، ارزش ها و حرمت های آنان را خدشه دار نکرده آنها را تحقیر نمی کنند، تنها در آن زمان است که چشم های خود را برای ارزش های اخلاقی و فرهنگی دیگر باز کنند و تنها در این شرایط است که مقدمات لازم برای گفتگوی فرهنگ ها فراهم خواهد شد.».انسان ها بر اساس طبع کرامت آمیز خود خواهان تکریم هستند و به استخفاف و تحقیر رضایت نمی دهند، مگر عده ای که از کرامت نفس خود غافل باشند. امام خمینی؛به تأسی از سالار شهیدان همواره بر عزت سیاسی تأکید می ورزید. ایشان حکومت رضاخان و محمد رضا پهلوی را که با کودتای انگلیس و آمریکا به حاکمیت رسیده بودند،غیر

قانونی و مخالف استقلال سیاسی ملت ایران می دانست. هنگامی که ایشان رابه زندان و تبعید تهدید می کنند، می فرمایند: «اگر خمینی را دار بزنند تفاهم نخواهد کرد».همچنین درباره اهمیت حفظ عزت انسانی می فرمایند: «زندگی آبرومند نداشتن و زندگی زیر بار بودن هزار مرتبه از این که انسان بمیرد، شرف دارد» اصولاً یکی از مشخصه های انقلاب اسلامی ایجاد عزت و کرامت در همه طبقات مردم بود. کارگران،کشاورزان، معلمان، دانشگاهیان، روحانیان و... خلاصه همه مردم برای امام خمینی عزیز بودند.امام؛ در پیامی به فرماندهان دفاع مقدس آنها را «پرچمداران عزت مسلمین» خطاب می کند و یا خطاب به معلمان، شغل آنها را«شغل انبیاء» تلقی می نمایند و «بسیج را مدرسه عشق» می داند و به بسیجی بودن خود افتخار می کنند. ایشان در وصیت نامه خود نعمت استقلال و آزادی و رسیدن به عزت سیاسی را مدیون همه طبقات مردم می دانند و می فرمایند: «از روحانی و دانشگاهی تا بازاری و کارگر و کشاورز و سایر قشرها،بند اسارت را پاره و قدرت ابر قدرت ها را شکستند و کشور را از دست آنان و وابستگانشان نجات دادند.»بر اساس توجه به عزت سیاسی مسلمین است که میرزای شیرازی فتوای لغو قرارداد رژی را صادر می کند و شیخ فضل الله نوری حاضر نمی شود برای حفظ جان خود،پرچم روسیه را روی خانه خود نصب نماید و شهید مدرس به اولتیماتوم روسیه توجه نمی کند.تربیت عزت گرایانه در سطح فردی موجبات عزت سیاسی و بین المللی را فراهم می سازد. بی شک سخنان عزت گرایانه رهبر کبیر انقلاب اسلامی و موضع گیری های مستقل مسئولان جمهوری اسلامی ایران نیز ریشه در عزت حسینی دارد.

عزت فرهنگی

یکی از جلوه های اصلی عزت گرایی، عزت فرهنگی است.

فرهنگ در بردارنده ترکیبی از گرایش ها، ارزش ها و باورهاست که بر رفتار انسان تأثیر می گذارد. در تعاریف کلی، گسترده نفوذ فرهنگ، زندگی اجتماعی است.تایلر در تعریف فرهنگ می نویسد: «فرهنگ مجموعه پیچیده ای است که شامل معارف، باورها، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادت و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرامی گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد.»یکی از راه های سلطه دشمنان بر یک قوم و ملت آن است که هویت و فرهنگ آن ملت را تضعیف و یا تسخیر نمایند.بی توجهی به باورها وسنت ها و ارزش ها موجب بیگانه شدن و فاصله گرفتن یک قوم یا ملت از گنجینه های فرهنگی خود می گردد که به آن «از خود بیگانگی» می گویند.از خود بیگانگی مقدمه ذلت پذیری است. ملتی که از گنجینه های اصیل فرهنگی خود غافل شود، به تدریج مورد هجوم ظواهر و عناصر فرهنگی بیگانه قرار می گیرد و به تدریج از درون تهی می گردد و در واقع هویت و موجودیت خود را از دست می دهد.امام خمینی؛ در این باره می فرمایند: «بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ یک جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد و با انحراف فرهنگی هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است.»تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی مؤثرترین شیوه نفوذ در ارکان و موجودیت یک جامعه است و این تجربه ای است که دشمنان، در طول سال های متمادی از آن،

برای موفقیت خود سود برده اند. نهضت عاشورا در واقع یک نهضت فرهنگی بود که در برابر هجوم فرهنگی بنی امیه شکل گرفت.بنی امیه کوشیدند فرهنگ ناب محمدی را از درون تهی کنند و فرهنگ اموی را که ترکیبی از تجاوز، تهدید، تبعیض و... بود، بر جامعه اسلامی مسلط نمایند. نهضت حسین بن علی (ع) در واقع یک جریان عمیق بود که در کوتاه مدت و دراز مدت موجبات حفظ سنت ها، ارزش ها و فرهنگ اسلامی را فراهم کرد.عناصر فرهنگ عاشورا عبارتنداز: شهادت طلبی، ایثار، اخلاص، عبادت، عرفان،حماسه، حضور و شعور سیاسی، آزادگی، عدالتخواهی، سازش ناپذیری، اصلاح طلبی، امربه معروف و نهی از منکر، عزت طلبی و ظلم ستیزی و... تجربه تاریخی مسلمانان نشان می دهد. هر زمان که مسلمانان به عناصر اصلی فرهنگ عاشورا توجه داشتند، به کسب موفقیت های سیاسی و اقتصادی و نظامی و... نائل شدند. تجلی فرهنگ عاشورا درانقلاب اسلامی و دفاع مقدس بود که دین خواهی، روحیه آزادگی و شهادت طلبی وآزادگی، عدالت جویی و توجه به ارزش ها و سنت ها را در همه ما زنده کرد و این روحیه و فرهنگ که یکی از علل موجده انقلاب اسلامی و موفقیت در دفاع مقدس بود، در حقیقت یکی از علل «مبقیه» انقلاب اسلامی نیز خواهد بود. عزت و اقتدار فرهنگی یکی ازپیام های اساسی، نهضت عاشورا بود که در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نیز متجلی شد.امام خمینی؛ در باره استقلال و عزت فرهنگی می فرمایند: «تا زمانی که ملت ها خودشان را گم کرده اند و دیگران را به جای خودشان نشانده اند، نمی توانند استقلال پیداکنند. کمال تأسف است که کشور ما حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد و این فرهنگ

و حقوق را نادیده گرفته و به دنبال غرب است.» عزت فرهنگی در حقیقت ریشه و منشأ عزت در ابعاد دیگر است.

عزت اقتصادی

یکی از ابعاد عزت حسینی، عزت اقتصادی است. هر انسانی باید در سطح فردی بکوشد به خودکفایی برسد، چرا که به فرموده پیامبر اسلام (ص) اگر فقر از هر دری وارد شود، ایمان از در دیگر می رود و یا کسی که معاش ندارد، معاد ندارد.هر انسانی باید کوشش کند تا با کار و مجاهدت، خود کفا گردد و احساس استغناء کند تا سربار دیگران نباشد. بر این اساس پیامبران و ائمه اهل کار و فعالیت بودند. عزت اقتصادی یکی از پایه های رسیدن به عزت نفس است. از پیامبر (ص) منقول است که فرمودند: عزت مؤمن در غنی بودن و بی نیازی او از مردم نهفته است.در سطح ملی نیز هر جامعه ای باید بکوشد به خود کفایی اقتصادی برسد تا درسطح بین المللی نیز به اقتدار دست یابد. یکی از شاخصه های اعتلا و عزت اسلامی، خودکفایی اقتصادی و عدم نیاز به کفار است. چنانکه قبلاً نوشتیم قرآن می فرماید: (ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً)بر اساس این آیه هر رابطه اقتصادی و سیاسی که باعث سلطه اجانب گردد، مردوداست. یکی از اختلافات بنی امیه با آل علی (ع) موضوع تکاثر بود. بنی امیه به احیای نظام اشرافی به تجمع ثروت و سوء استفاده از بیت المال مسلمین و استثمار دیگران به ویژه غیر عرب پرداختند. یکی از علل مخالفت برخی از یاران پیامبر چون ابوذر و ابن مسعود،همین موضوع تبعیض اقتصادی و شیوع حرام خواری و فساد مالی بود و یکی از علل قدبرافراشتن سالار شهیدان در

برابر حکومت بنی امیه، غرق شدن حکام و مردم در فساد اقتصادی بود.امام حسین (ع) خطاب به سپاه عمر سعد در روز عاشورا به این موضوع اشاره می کند: می دانید که چرا حرف حق من در گوش شما نمی رود، به خاطر این که شکم های خود را با مال حرام انباشته اید.عمر سعد نیز به طمع رسیدن به منافع اقتصادی و حکومت ری و آذربایجان حاضر شد با فرزند پیغمبر خدا بجنگد. از نظر امام حسین (ع) بسیاری از مردم بندگان دنیا هستند و دین فقط لقلقه زبان آن هاست. دنیاطلبی، دریوزگی، پستی و حرام خواری یکی از عوامل ذلت مردم یک جامعه به شمار می آید. یکی از علل موجده انقلاب اسلامی مقابله با سلطه اقتصادی دشمنان و حرکت در جهت استقلال اقتصادی بود. دو قطبی شدن جامعه در زمان حکومت پهلوی، در ایجاد نهضت اسلامی مؤثر بود. در یک قطب این جریان، خوانین، مترفین، اشراف، شاهزادگان و درباریانی بودند که با غصب زمین ها،سرمایه های اقتصادی و تسلط بر مراکز اقتصادی به تمرکز ثروت پرداختند و کاخ های مجلل برپا ساختند و با برپایی مجالس پر هزینه به حیف و میل اموال عمومی و اسراف و تبذیر مشغول شدند. در قطب دیگر این جریان مردم مستضعف شهرها و روستاها بودند که با وجود افزایش درآمدهای نفتی کشور، هنوز زیر خط فقر زندگی می کردند. بی شک این شکاف اقتصادی با سنت نبوی و علوی و عزت اسلامی مغایر بود. بسیاری از بزرگان و مراجع، همکاری اقتصادی با رژیم ستم شاهی را مغایر با قوانین اسلام می دانستند.برخی از آنها شاغل شدن در دستگاه های دولتی و کسب درآمد از این طریق را تحریم نمودند و آن را

مغایر با عزت اسلامی دانستند. در تاریخ آمده است، صفوان جمال که از دوستان اهل بیت بود، شترانش را برای کسب منفعت اقتصادی به هارون الرشید خلیفه عباسی که قصد حج داشت، اجاره داد. هنگامی که خبر به امام کاظم (ع) رسید، از او گلایه کرد و فرمود: تو می خواهی برای کسب درآمد اقتصادی، هارون الرشید آنقدر زنده باشد تا سالم از حج برگردد و تو سود خود را دریافت نمایی. در واقع تو خواهان زنده ماندن حاکمی ظالم چون هارون (حتی برای چند روز) هستی.از منظر امام کاظم (ع) این کار بر خلاف عزت اسلامی بود.امام خمینی؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به موضوع استقلال اقتصادی تأکید فرمودند و باری رسیدن به استقلال اقتصادی دستور تشکیل نهادهایی چون جهاد سازندگی را صادر فرمودند و همواره به استقلال اقتصادی در همه ابعاد آن تأکید داشتند.بعد از دفاع مقدس نیز با صدور فرمانی به سران سه قوه نسبت به حفظ استقلال اقتصادی و عقب ماندگی های ناشی از رژیم ستم شاهی و رفع تنگناهای ناشی از جنگ اشاره کردند. ایشان در پیام مهمی تسلیم شدن در برابر دشمنان و دست برداشتن از آرمان های بلند انقلاب اسلامی را به قیمت رفاه اقتصادی کاذب و زندگی اشرافی دشمن ساخته،مغایر با عزت و شرف اسلامی دانستند.ایشان می فرمایند: «اگر با دست جنایتکار آمریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شوروی و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم.»اسلام تسلط اقتصادی بیگانگان را نفی کرده است و بسیاری از علما قاعده «نفس سبیل»

را به فقه اقتصادی اسلام نیز تسری داده اند. چرا که اگر ملتی احساس استغنای اقتصادی نکند و دشمن بر سر نوشت اقتصادی او مسلط گردد، خوار می شود و احساس عزت و کرامت آن ملت از بین می رود. احتیاج باعث اسارت می شود و بی نیازی مایه عزت می گردد.استغنای یک ملت نسبت به بیگانگان مایه عزت و منزلت اجتماعی و بین المللی آن ملت می شود. بر این اساس دشمن می کوشد با ایجاد بحران های کاذب و دامن زدن به بیکاری، ما را از تولید باز دارد و بازار مصرف خود نماید تا عزت ما را از بین ببرد.

عزت روحی و روانی

عزت نفس امروزه یکی از مفاهیم مهم روانشناسی و از ویژگی های شخصیت سالم است. روان شناسان به دنبال آن اند تا عوامل مؤثر بر عزت نفس را بشناسند و عوامل را که باعث از دست دادن عزت نفس می شوند، کشف نمایند.بر اساس یافته های روان شناسان افراد عزتمدار احساس توانمندی، ارزشمندی،استقلال، سلامتی و فایده مندی می کنند. آنها اهل تلاش و پشتکارند و به خود اتکا دارند و کمتر تحت تأثیر عوامل محیطی قرار می گیرند. عدم احساس عزت نفس، سبب حقارت، احساس ترس، بی ارادگی، وحشت از شکست، احساس زبونی، احساس ناامیدی،ذلت پذیری و عدم شجاعت می شود.برخی از روانشناسان عزت نفس پایین را نتیجه اختلال های دوران کودکی ازجمله کمبود توجه، بیش فعالی، اختلال یادگیری و تحقیر می دانند. از این منظر خانواده نقش ویژه در عزت نفس افراد دارد. احساس عزت مندی و کرامت، لازمه شخصیت سالم است و در تعادل روانی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بسیار مؤثر است.عزت نفس، نگهبان فضیلت های شایسته و عامل محرک انسان به سوی کسب فضیلت های بایسته است.

انسان هایی که دارای «من آرمانی» بالا هستند، می خواهند به درجه ای برسند که شایستگی آن را دارند. من آرمانی محرک انسان برای تحول و تغییرات اساسی است.انسانی می تواند عزت نفس داشته باشد و به سوی من ِ آرمانی خود گام بردارد که ارزیابی مثبت و مفیدی از خود داشته باشد. در معارف اسلامی معیار ارزشیابی انسان از خود آنست که او به این واقعیت توجه کند که انسان «خلیفه خدا و عالم اکبر است.» چنانکه مولای متقیان می فرماید:اتز عم انک جرم صغیرو فیک انطوی العالم الاـکبر بنابراین انسان نباید خود را موجودی کوچک و حقیر بداند، بلکه او عالم اکبر است و دروجود او دنیایی عظیم نهفته است. انسانی که قدر و منزلت خود را در جهان هستی درک نماید، گوهر وجود خود را ارزان نمی فروشد و تسلیم شهوات نمی شود و از ظرفیت های وجودی خود بطور کامل استفاده می کند. حسین بن علی (ع) تربیت یافته شخصیت های سالم چون پیامبر اکرم (ص) و علی مرتضی (ع) و فاطمه زهرا (س) است. عزت کرامت،حمیت، غیرت، شجاعت و... از مختصات اهل بیت است.او در خانواده ای پرورش یافته است که معدن عزت مداری است. براین اساس است که خفت و ذلت را نمی پذیرد و با ظالمان بیعت نمی کند و تن به ذلت نمی دهد و شجاعانه به استقبال مرگ می رود و شهادت را کرامت می داند و پیشنهاد زندگی مرفه و اعتبارات ظاهری را به قیمت سازش با یزید نمی پذیرد، چرا که این خلاف سنت و رویه پیامبر و اهل بیت است.

عزت معنوی و دینی

با استناد به قاعده نفی سبیل می توان گفت که غیر مسلمان نباید از نظر دینی و معنوی بر مسلمانان سلطه پیدا کنند. از

نظر قرآن دین واقعی و نهایی اسلام است: (ان الدین عندالله الاسلام)بر این اساس خداوند خواسته است که دین حق را پیروز گرداند، اگر چه مشرکان موافق آن نباشند:(لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون).روش اسلام در تبلیغ و دعوت، روش موعظه حسنه و حکمت و مصلحت و رحمت توأم با عزت است. اسلام با منطق و گفتگو موافق است و لذا در تبلیغ دینی به دنبال تهدید و تحمیل نیست: (لا اکراه فی الدین). البته این موضوع به معنی تسلیم پذیری و سازشکاری نیست، بلکه به این معناست که تا زمانی که دشمنان دست به سلاح و مبارزه مسلحانه نبردند، مسلمانان نیز نباید بجنگند.قرآن کریم یاران واقعی پیامبر (ص) و مسلمانان واقعی را (اشداء علی الکفار ورحماء بینهم) معرفی می کند. بر اساس این آیه مسلمانان باید در برابر دشمنان و کفاری که قصد توطئه و تجاوز را در سر می پرورانند و یا به آن اقدام می کنند، با شدت برخورد نمایند و فرصت هر گونه سوء استفاه را از آنان بگیرند.یکی از مقاصد عالی انبیاء این است که انسان ها به عزت معنوی برسند. رسیدن به عزت معنوی مستلزم رهایی از حجاب نفسانی و کسب عزت و کرامت نفس است. (قد افلح من ذکیها)از دیدگاه استاد شهید مطهری «حریت و آزادی معنوی شرط توفیق مصلح دینی است هم چنان که یک زبون ملاحظه کار توفیق اصلاح خدایی نمی یابد و همچنان که یک گرفتار بیمار موفق به مداوای جامعه خود نمی گردد، یک امیر و بنده مطامع نفسانی نیز موفق نخواهد شد دیگران را از اسارت های اجتماعی معنوی باز دارد.».توجه سالار شهیدان بر اوج عزت معنوی است که در

مناجات شعبانیه می فرماید:«الهی هب لی کمال الانقطاع الیک.»انبیاء و ائمه همواره به دنبال آزادی معنوی انسان ها و رهایی آنها از قیودات جهل و خرافه پرستی، جمود و تهجر و بی دینی بودند. شناخت خدا و عبادت و تقوا و ایمان، شعار محوری انبیاء بود. به سخن دیگر پیامبران به دنبال عزت معنوی انسان ها بودند.حسین بن علی (ع) نیز پی این بود که سنت ها و معالم دین را بر پا دارد و به ترویج معنویت بپردازد. شب عاشورا، شب مناجات و دعا و عرفان بود و زمزمه های سالکان طریق الی الله صحنه کربلا را معطرنموده بود. نماز عرفانی روز عاشورا، تبلور اوج اخلاص ومعنویت امام و یارانش بود. در واقع حسین بن علی (ع) شهید راه احیای دین و سنت ونماز به شمار می رود. جلوه هایی از این عزت معنوی، در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نیز مشهود بود.بسیاری از محققان یکی از عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران را، الهی بودن این انقلاب می دانند. یکی از نویسندگان خارجی که درباره انقلاب اسلامی کتاب نوشته است، آن را «انقلاب بنام خدا» می نامد. بی شک توکل رهبری و مردم به خداوند و معنویت و الهام از فرامین کتاب خداوند، از مؤلفه های این انقلاب است. نقش مسجد به عنوان یکی از پایگاه های انقلاب اسلامی بیانگر وجود روح معنوی و عبادی در این نهضت است.توکل و توسل رزمندگان دفاع مقدس به خداوند نیز باعث شد که سنگرها و صحنه های رزم به پایگاه و جایگاه مناجات و حماسه و عرفان تبدیل گردد. شب های حمله و عملیات رزمندگان در دفاع مقدس تجلی شور و شوق حسین بن علی (ع) و یاران شهیدش در شب

عـاشورا بود.به اعتقـاد رهبر معظم انقلاب، پرورش جوان های نورانی، از معجزات و شاهکارهای امام خمینی؛ بود.امام خمینی؛ عبـد صالـح خداوند و تابع فرامین الهی و انسانی متواضع بود واحساس عجز و مناجات و گریه های شـبانه و نماز شب او زبانزد خـاص و عـام است. امـام؛در پیـامی به حجـاج بیت الله الحرام، اوج فروتنی خود را در پیشـگاه خداونـد این گونه ابرازمی دارد: «خداونـدا به بنـدگی مـا و خلـوص و اظهـار عجز و ذلت مـا در برابر خودت بیفزا.»او تجلی این بیت شـعر حافظ بود:آب کوثر نخـورم منت رضـوان نـبرم پرتوی روی تو ای دوست جهـانگیرم کرداین احسـاس ذلت در برابر خداونـد عزیز است که به امـام عزت معنـوی می بخشـد و او را درقلب مردم ایران و مظلومـان جهـان عزیز می نمایـد. او در برابر خداونـد این گونه سـخن می گویـد اما در نامه ای به رهبر شوروی ابر قـدرت شـرق می نویسـد:«از شـما می خواهم درباره اسـلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید و این نه به خاطر نیاز اسـلام و مسلمین به شما که به جهت ارزش های والا و جهان شمول اسلام است.»او در عین حالی که رهبر شوروی را به اسـلام دعوت می کنـد، به اصل عزت اسـلامی نیز توجه دارد و معتقـد است اسـلام نیازی به ایمان برخی از افراد نـدارد اما آنها نیازمنـد به دین و اسـلام هسـتند. در جای دیگر از این پیام، امام خدا زدایی و دین زدایی و مبارزه بیهـوده بـا خـدا و مبـدأ هسـتی و آفرینش را بزرگـترین علت شـکست حکومت هـای مارکسـیستی می دانـد و معتقـد است که مارکسیم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی

و بـا مـادیت نمی تـوان بشـر را از بحران عـدم اعتقـاد به معنویت که اساسـی ترین درد جـامعه بشـری در غرب و شـرق است به درآورد.»امـام بحران معنویت را مشـکل اساسـی و شـایع جوامع شـرقی و غربی می دانـد و معتقـد است آنها برای رهایی از این بحران بایـد به تعالیم قرآن روی آورنـد.ایشان در اوج اقتـدار و عزت طلبی اعلان می نمایـد: «جمهوری اسـلامی ایران به عنوان بزرگترین و قدرتمندترین پایگاه جهان اسـلام به راحتی می تواند خلا اعتقادی نظام شـما را پر نماید.» این نامه ما را به یاد نامه پیامبر اکرم (ص) به پادشاه ایران، روم،یمن، حبشه می اندازد.در واقع این گونه سـخن گفتن تجلی عزت و معنوی است و ریشه در تعالیم انبیاء وسنت نبوی و علوی و حسینی دارد و امام خمینی؛ به راستی پرچمدار عزت حسینی درجهان معاصر بود.

نتیجه

اگر چه قیام سالار شـهیدان حسـین بن علی (ع) به زعم عده ای پیروزمندانه نبود،اما گذشت زمان نشان داد که قیام کربلا یکی از مؤثرترین و ماندگارترین حوادث، در طول تاریخ است.راز ماندگاری کربلا را باید در انگیزه ها و عناصر تشکیل دهنده این نهضت، چون قیام لله، احیای سنت های حسنه، اصلاح طلبی، عدالت جویی، آزادی خواهی، ظلم ستیزی و امر به معروف و نهی از منکر و عزت جویی جسـتجو کرد. اینهـا انگیزه هایی زودگـذر و فصـلی و سـطحی نیسـتند که با مرور زمان کهنه شونـد و از اعتبـار آنهـا کم شود. این انگیزه هـا و اهـداف جایگاه و پایگاه والایی از منظر دینی، عقلانی و عرفانی دارنـد و با فطرت انسان عجین هستند. عزت طلبی یکی از بارزترین انگیزه های سیدالشهداء است.نامه ها و سخنرانی ها و رجزهای امام حسین (ع)

و سایر شهیدان کربلا مملو از عزت گرایی است. اگر چه عزت و خواری همگان در ید قدرت الهی است و در صورت اراده اوتحقق می یابد، اما این موضوع به معنی نفی حاکمیت و اختیار مردم نیست؛ چرا که «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛مگر آن که خودشان خواهان تغییر آن باشند. اگر ملتی خواهان عزت سیاسی، اقتصادی،فرهنگی و دینی است باید این آمادگی درونی را در خود بوجود آورد.یکی از صفات ثبوتیه خداوند، عزیز است، چرا که عزت واقعی از آن اوست. انسان چون خلیفه خداست، به تأسی از خداوند باید عزیز باشد. او نباید خود را برای آرزوهای پست ذلیل کند. در سطح فردی عزت طلبی مایه کرامت و عزت نفس است و در سطح جمعی موجب عزت اجتماعی و در سطح جهانی، موجبات عزت بین المللی یک ملت را فراهم می سازد.عزت حسینی ریشه در عزت نبوی و علوی دارد و انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ملت ایران نیز ریشه در عزت نبوی و علوی و حسینی دارد. الهام از عزت جویی حسین بن علی، موجب شده است انقلاب اسلامی ایران در چشم مظلومان جهان عزیز باشد و با سردمداران نظام سلطه سازش نکند.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹